

نقش یونسکو در ارتقاء کمی و کیفی آموزش زنان ایران

سوناز نصیری^۱

مهدی ذاکریان*

ابوالقاسم طاهری^۳

چکیده

۱۳۵

در عصر حاضر کشورهای مختلف جهان در پی توسعه بیشتر و پایدار در قالب برنامه‌های مدون و سازمان‌های بین‌المللی می‌باشند و مطالعات صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف در این رابطه نشان داده است که موضوع توسعه و دستیابی به پیشرفت و تعالی جامعه آنان بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان پذیر نمی‌باشد و این مهم بدون آموزش تخصصی، پایدار و مدون برای زنان در سطوح جهانی و منطقه‌ای و با هم‌گرایی و مشارکت کشورهای مختلف راه به جایی نخواهد برد لذا صاحب‌نظران و دولتمردان یکی از مهم‌ترین محورها و اهرم‌های تسهیل این روند را بهره‌گیری از مکانیزم‌های سازمان‌های جهانی برای کمک بدین منظور می‌دانند که یکی از مهم‌ترین این نهادهای بین‌المللی سازمان یونسکو می‌باشد که نقش مهمی در بهبود وضعیت و ارتقاء جایگاه زنان در سطح جهان ایفا می‌کند. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در پی بررسی نقش یونسکو در توسعه آموزش کمی و کیفی زنان در ایران می‌باشیم و پرسش اصلی ما پاسخ به این سؤال است که برنامه‌ها و استراتژی سازمان یونسکو چه تاثیری بر ارتقای کمی و کیفی آموزش زنان در ایران داشته است؟ به این نتیجه رسیدیم که سازمان یونسکو با تکیه بر برنامه‌های بین‌المللی ضمن تقویت و غنابخشی به ظرفیت‌های علمی، فنی و انسانی، به طور ویژه در حوزه آموزش عالی و همگانی در ارتقای سطح کیفی و کمی آموزش زنان در ایران تأثیر مثبت داشته است.

واژگان کلیدی: یونسکو، آموزش زنان، ایران، اشتغال زنان

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* zakerian@isj.ir

۳. استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و سوم، صص ۱۵۸-۱۳۵



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

سوم، شماره پیاپی

سی و سوم

پاییز ۱۳۹۸

مقدمه

سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) در چهارم نوامبر ۱۹۴۶ تأسیس شد و در شانزدهم نوامبر ۱۹۴۶ چهل کشور از جمله ایران اساسنامه آن را امضاء کردند. براساس بند اول هدف از تأسیس این سازمان عبارت است از: کمک به استقرار صلح و امنیت از طریق ترویج همکاری میان ملت‌ها در زمینه‌های آموزش، علوم و فرهنگ به منظور افزایش احترام همگان به عدالت، حاکمیت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون توجه به تفاوت‌های نژادی، جنسیت، زبان و مذهب، مطابق با منشور ملل متحد.

یونسکو از بدو تشکیل تاکنون برای بهبود و ارتقاء امر آموزش در جهان از طریق مشاوره‌های فنی، معیارگذاری، طرح‌های ابتکاری، ظرفیت‌سازی و شبکه‌ای کردن نهادهای آموزشی فعالیت می‌کند.

مهم‌ترین فعالیت یونسکو در زمینه آموزشی در سطح جهان، مبارزه با بیسوادی و ریشه‌کنی این مسأله بوده است. اولویت‌های آموزشی یونسکو عبارت است از: آموزش پایه برای همه با تأکید بر سواد آموزی، آموزش معلمان، آموزش متوسطه، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش علم و فناوری، آموزش صلح و حقوق بشر، آموزش مداوم و آموزش‌های بازدارنده. همچنین اولویت‌های فرهنگی یونسکو عبارت‌اند از: ترویج تنوع فرهنگی با تأکید ویژه بر میراث فرهنگی و معنوی و مادی، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و درک و گفتگوی بین مذهبی و بین فرهنگی، صنایع فرهنگی، خلاقیت‌ها و بیان‌های هنری.

اکثر متفکران و صاحب‌نظران مسائل اجتماعی در جهان امروز معتقدند، مهم‌ترین عامل مؤثر در توسعه یافتگی یا عقب ماندگی هر جامعه، نیروی انسانی آنست و نیروی انسانی متشکل از مردان و زنانی است که دوشادوش یکدیگر با به خدمت گرفتن امکانات طبیعی یا سرمایه‌های مالی در زمینه‌های مختلف به تلاش و تکاپو می‌پردازند. در این میان هرچند هریک از دو گروه مردان و زنان همواره نقش و جایگاه با اهمیت و غیر قابل انکار خود را دارند، اما زنان تا همین چند دهه قبل شاید در نتیجه وجود فرهنگ دیرینه مردسالاری در اکثر مناطق جهان، کمتر فرصت می‌یافتند که توانمندی‌های خود را به اثبات برسانند و هرچند همواره از نیروی زنان در زمینه‌های پرورش و تربیت زنان،

کارهای اقتصادی، هنری، فرهنگی حتی گاهی اوقات سیاسی و نظامی بهره گرفته می‌شد، اما شعور عمومی جامعه کم‌تر به نقش مهم زنان در پدید آمدن نظام‌های حاکم اجتماعی، واقف بود.

خوشبختانه در جهان کنونی، فرصت‌های بیشتری نسبت به قبل برای زنان پدید آمده است، تا توانمندی‌های خود را به اثبات برسانند. از سوی دیگر، با توجه به ترکیب جمعیتی ایران طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۰ که حدود نیمی از جمعیت یعنی ۴۹,۶ درصد زنان تشکیل می‌دهند، توجه به توانمندی‌های آنان و بازپروری توانایی‌ها و استعدادها علمی و فرهنگی آنان از اهمیت زیادی برخوردار است. امروز هم دولت و هم سازمان‌های داخلی مردم نهاد بر اهمیت موضوع کاملاً واقف هستند. بنابراین مسئله اساسی مقاله این است که نشان دهد راهبرد یونسکو باتکیه بر برنامه‌های بین‌المللی آموزشی در ارتقای کمی و کیفی شاخص‌های آموزشی زنان ایران چه بوده است؟

به لحاظ توسعه انسانی زنان، ایران در میان ۱۸۶ کشور دنیا در رتبه ۱۰۷ قرار دارد که رتبه پایینی است، اما ملاحظه اجزای این شاخص گویای آن است که ایران در زمینه شاخص‌های حوزه سلامت، یعنی شاخص نرخ باروری زنان نوجوان (زنان ۱۵ تا ۱۹ سال) و شاخص نرخ مرگ و میر مادران بسیار موفق عمل کرده است؛ به نحوی که میزان این شاخص‌ها در ایران از میزان متوسط آن در دنیا و در کشورهای با توسعه بالای نیروی انسانی بسیار کم تر است. ایران توانسته است در زمینه کاهش شاخص نرخ مرگ و میر مادران رتبه پنجم دنیا را به خود اختصاص دهد. در زمینه شاخص جمعیت با حداقل تحصیلات راهنمایی نیز همین روند به چشم می‌خورد، اما در مورد دو شاخص دیگر، یعنی مشارکت زنان در مجلس و مشارکت زنان در بازار کار نتوانسته است موفق عمل کند.

در اینجا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی سعی در ارائه داده‌ها و تحلیل آن‌ها بر آمده‌ایم. نظریه سازه‌انگاری چهارچوب نظری این مقاله را تشکیل می‌دهد. معتقدیم که بر پایه نظریه سازه‌انگاری میزان تاثیرگذاری سازمان فرهنگی اجتماعی یونسکو بر فضای آموزش جامعه زنان ایرانی تحت شعاع ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی جامعه زنان ایران بوده است.

۲. چارچوب نظری؛ نظریه سازه‌انگاری

الکساندر ونت در مقاله آنا‌رشی آن است که حکومت‌ها باور می‌کنند اصول سازه‌انگاری را این گونه بیان می‌کند:

- ساختار جوامع انسانی غالباً به واسطه ایده‌ها و هنجارها شکل می‌گیرد و نه

نیروهای مادی؛

- هویت و منافع بازیگران در این سیستم‌ها بر اساس باورهای مشترک شکل

می‌گیرد و نه طبیعت. (Wendt, 1992)

نظریه سازه‌انگاری مبتنی بر یافته‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی و هرمونوتیک است و بر روی تعامل اجتماعی کنشگران یا بازیگران سیاست تکیه دارد. از منظر آن‌ها تعامل دولت‌ها نماینگر نوعی روند یادگیری است که طی آن کنش‌ها در گرو زمان هم به هویت‌ها، منافع و ارزش‌ها شکل می‌دهند و هم از آن‌ها شکل می‌پذیرند.

آن‌ها بر خلاف سایر نظریات به تحقیق درباره ساخته و پرداخته شدن و نفوذ سامان بخش هنجارهای بین‌المللی می‌پردازند.

برساز انگاران با اتخاذ این رویکرد ضمن آنکه به دنبال برقراری پیوند میان ساختارهای نهادی بنیادین و هویت و منافع دولت هستند همزمان به بازتولید آنها معتقد می‌باشند (مشیرزاده، ۱۳۹۵).

براساس برداشت آن‌ها نهادهای بین‌المللی هم کارکرد تنظیم‌کنندگی دارند و هم پایه‌گذار هستند.

نظریه فرهنگی به‌عنوان مقدمه سازه‌انگاری با نقد یکجانبه‌نگری روابط بین‌الملل از تمرکز بیش از حد بر قدرت و ثروت، منافع و امیال و خواست‌ها به‌عنوان یک انحراف در شناخت و ارزیابی پدیده‌های بین‌الملل یاد می‌کند.

سازه‌انگاری یا برسازنده‌گرایی بر هستی‌شناسی تمرکز مطالعاتی دارد و این خود مهم‌ترین دلیل پیچیدگی آن است. آن‌ها در مطالعات خود به هنجارها، انگاره‌ها، نرم‌ها، معانی و رویه‌های می‌پردازند.

سازه‌انگاران در برابر مادی‌گرایان معناگرا هستند، مادی‌گرایانی که بر بنیادی‌ترین فاکت‌های جامعه و سرشت سازمان‌دهی نیروهای مادی می‌دانند. اما معنا‌انگاران بنیادی‌ترین فاکت‌ها را سرشت و ساختار آگاهی اجتماعی می‌دانند که به معنای توزیع انگاره‌ها و شناخت‌هاست.

معانی که مبنای عمل انسان‌هاست از نظر سازه‌انگاران ذاتی نیست بلکه در تعامل انسانی شکل می‌گیرد.

سازه‌انگاران سیاست بین‌الملل را بر اساس یک هستی‌شناسی رابطه‌ای می‌بینند و به عوامل فکری مانند فرهنگ، هنجارها بها می‌دهند. به‌ویژه برای آگاهی بشر.

به عبارتی اگر واقعیت بین‌المللی را یک بلوک ساختمانی در نظر بگیریم از منظر سازه‌انگاران هم از عوامل مادی و هم از عوامل فکری ساخته شده است (مشیرزاده، ۱۳۹۵).

به گفته دهقانی فیروزآبادی، از منظر سازه‌انگاری، سازمان‌های بین‌المللی، به عنوان قواعد و هنجارهای تعیین‌یافته، نهادینه شده و ساختارمند، تنها ابزاری در دست دولت‌ها و تنظیم‌کننده تعاملات و مناسبات آنان در سطح بین‌المللی نیستند، بلکه ماهیت و کارکردی تکوینی دارند که علاوه بر تنظیم روابط بین‌دولتی به هویت و منافع آن‌ها قوام می‌بخشند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹).

در این نوشتار ما معتقدیم که تعاملات میان سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان‌های که ماهیت فرهنگی-اجتماعی دارند همانند یونسکو، با ملت‌ها، در قالب نظریه سازه‌انگاری بهتر قابل درک و تحلیل علمی است. یونسکو اصالتاً یک سازمان بین‌المللی علمی-فرهنگی است و نحوه تأثیرگذاری آن بر زندگی اجتماعی مخاطبان تحت شعاع مؤلفه‌های فرهنگی اجتماعی جوامع و در اینجا جامعه ایرانی است. به عبارت دیگر موضوع تعاملات یونسکو با جامعه زنان ایرانی باید در پرتوی نگاه تعامل دو طرفه یک مجموعه فرهنگ جهانی با یک مجموعه فرهنگی-اجتماعی غنی بومی (ایرانی) ارزیابی کرد. به عبارت دیگر برای بررسی میزان تأثیر سیاست‌های یونسکو بر جامعه زنان ایرانی باید مؤلفه‌های فرهنگی اجتماعی جامعه زنان ایرانی را مورد توجه اساسی قرار داد و هر خروجی، تحت شعاع آن خواهد بود.

۳. داده‌ها

۱-۳. سیاست‌های یونسکو در مقوله آموزش

یونسکو در چارچوب شعار «آموزش برای همه»، برنامه‌های آموزشی برای کشورهای عضو خود تدوین می‌کند که مدت زمان اجرای آن نیز ۱۵ ساله است. برنامه آموزشی اول این سازمان در سال ۲۰۰۰ ارائه شد که تا سال ۲۰۱۵ اجرای آن ادامه یافت. در همان سال با توجه به اتمام برنامه مذکور، یونسکو به عنوان متولی امر، برنامه دوم را تحت عنوان «برنامه آموزش ۲۰۳۰» در اجلاسی که در اینچئون کره با حضور سران و وزرای آموزش و پرورش کشورهای عضو برگزار شد، مطرح کرد. این برنامه پس از تصویب برای بررسی نهایی به اجلاس روسای جمهور در نیویورک ارسال شد که مورد تأیید آن‌ها نیز قرار گرفت.

نکته قابل تأمل در این مسئله این است که برنامه مذکور طوری تدوین شده که طبق گفته دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو باید نقشه راه آموزش کشورها قرار گیرد. همچنین به گفته فرهادی، وزیر وقت علوم و فناوری جمهوری اسلامی ایران، کشورها متعهد شدند از اول ژانویه ۲۰۱۶، برنامه ریزی لازم برای عملیاتی کردن این برنامه و ادغام آن در سیاست‌های کلان ملی مربوط به توسعه پایدار انجام دهند که ایران نیز یکی از کشورها است. یونسکو دارای سه نقش اصلی در تحقق آموزش ۲۰۳۰ است: هدایت هماهنگی و ایجاد شراکت و همکاری، ۲- بازبینی، نظارت و گزارش دهی در مورد پیشرفتهای انجام‌شده در زمینه اهداف آموزشی و ۳- تقویت دولت‌های عضو در اجرای دستور کار جدید. آموزش که هدف چهارم دستور کار را تشکیل می‌دهد نقش اصلی و محوری در تحقق اهداف دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار دارد. (گزارش پژوهشکده راهبردی سازمان بسیج حقوقدانان، ۱۳۹۵: ۵).

در سال ۱۹۹۰ کنفرانس «آموزش برای همه» در جامتین تایلند به همت ۵ سازمان بین‌المللی یونسکو، یونیسف، صندوق جمعیت سازمان ملل، بانک جهانی و برنامه عمران ملل متحد با هدف گسترش سوادآموزی در جهان، افزایش فرصت‌های یادگیری برای همگان و بهبود کیفیت یادگیری برگزار شد. به دنبال آن در اجلاس جهانی

«آموزش برای همه» در داکار سنگال (۲۰۰۰) سران و وزیران آموزش و پرورش کشورها، همگی متعهد شدند که تمامی توان خود را در راه افزایش مراقبت و آموزش جامعه در اوان کودکی، افزایش پوشش تحصیلی، رسیدن به آموزش کیفی، پایان دادن به نابرابری‌های جنسیتی و یادگیری متناسب با مهارت‌های زندگی به خرج داده و تا سال ۲۰۱۵ به تمامی مفاد اعلامیه صادره در کشورهای خود جامعه عمل بپوشانند (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۳). در این میان در سال ۱۹۹۴، کنفرانس جهانی «آموزش افراد دارای نیازهای ویژه» توسط دولت اسپانیا و با همکاری یونسکو در شهر سالامانکا برگزار شد و طی بیانیه ای چهارچوب عملی برای آموزش افراد دارای نیازهای ویژه را مورد تصویب قرار داد. در این بیانیه ذکر شد که در دو دهه گذشته روند سیاست اجتماعی به سمت توجه بیشتر به گوناگونی‌ها، مشارکت و مبارزه با محرومیت بوده و این امر سبب شده تا امکان برابری فرصت‌ها برای تمامی افراد فراهم گردد (یونسکو، ۱۹۹۴).

برخورداری و بهره مندی از آموزش و پرورش پویا و مؤثر دغدغه دیرینه بیشتر نظام‌های آموزش و پرورش دنیاست. علیرغم صرف هزینه‌های سنگین، جوامع همچنان در دستیابی کامل به اهداف موردنظر در آموزش و پرورش ناموفق هستند. در کشورهای کمتر توسعه یافته این مشکل ابعاد گسترده تری دارد، ترک تحصیل، تکرار پایه و مردودی تعداد چشمگیری از دانش آموزان همه ساله علاوه بر اتلاف سرمایه‌های کلان، معضلاتی همچون رشد کم سواد و افزایش نابهنجاری‌های اجتماعی بدلیل کاهش اعتماد به نفس ناشی از شکست را نیز به دنبال خواهد داشت. این در حالی است که بر اساس توافق انجام شده در اجلاس جهانی آموزش و پرورش داکار با عنوان «عمل به تعهدات جمعی» بسیاری از کشورها از جمله کشور ایران متعهد شدند شرایطی را فراهم سازند که تمامی کودکان کشورشان در هر وضعیتی و با هر میزان توانایی به آموزش ابتدایی با کیفیت خوب و کامل، دسترسی داشته و دوره مذکور را به پایان برسانند و تمامی جنبه‌های کیفی آموزش را بهبود بخشند، به طوری که هر کس بتواند نتایج عینی آن‌ها را مشاهده نماید. دستیابی به این اهداف نیازمند تغییر در ساختارهای موجود در مدارس است تا بتوان به

معنای واقعی تمامی کودکان را تحت پوشش آموزش و پرورش مناسب قرار داد (یونسکو، به نقل از وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۰).

رویکرد آموزش و پرورش فراگیر بدنبال آن است تا با اصلاح نگرش‌ها، بازسازی و نوسازی منابع موجود و ارتقای دانش و مهارت آموزگاران، مدرسه را برای همه کودکان آماده کند. آموزش و پرورش فراگیر از طریق یافتن راه‌های توانمندسازی مدارس برای ارائه خدمات به تمامی کودکان در جامعه محلی خودشان، برنامه «آموزش برای همه» را سرلوحه کار خود قرار داده است (مشاوران یونسکو، به نقل از سعیدی، ۱۳۸۳).

۲-۳. چالش‌های جامعه جهانی در بحث آموزش زنان از منظر یونسکو

الف) افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی واقعی جهانی: امروزه در اکثر کشورهای دنیا نقش‌های جنسیتی عمیقاً تغییر پیدا کرده و در راستای افزایش مشارکت زنان در کلیه امور اجتماعی، از جمله آموزش عالی پیش می‌رود. به طور مثال، در اتریش و سوئیس به ترتیب ۲۸ و ۴۸ درصد پست‌های مدیریتی را زنان اشغال کرده‌اند، و این در حالی است که در ایالات متحده آمریکا این مقدار برابر با ۱۷ درصد می‌باشد. علاوه بر این، در روسیه اکثر پزشکان و در دانمارک اکثر دندانپزشکان زن هستند (می‌یرز، ۱۹۹۹:۱۹۲). افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی یک واقعیت همه گیر در جهان است و مختص ایران یا کشورهای مشابه نیست. امروزه مشارکت زنان در آموزش عالی به یک واقعیت جهانی تبدیل شده است و شاید مؤلفه ای از فرایند نوسازی و جهانی شدن و حتی توسعه باشد.

ب) افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی و استحاله ارزش‌ها: از رویکردی دیگر افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی را می‌توان نوعی استحاله ارزش‌ها نامید. بدین گونه که در تحولات جوامع، متغیرها و عوامل انتسابی ارزش، پایگاه و طبقه اجتماعی، استحاله پیدا کرده و عمدتاً جای خود را به عوامل اکتسابی ارزش، پایگاه و طبقه اجتماعی داده است. امروزه نظام پاداش و تنبیه اجتماعی جوامع بر پایه عوامل

انتسابی (مانند جنسیت، نژاد، رنگ پوست و...) نمی‌باشد، بلکه عمدتاً بر مبنای عوامل اکتسابی (مانند تحصیلات، مهارت، دانایی و...) است. بنابراین به نظر می‌رسد که اکثر جوامع در مسیر نوعی همگرایی ارزشیابی و شایسته سالاری حرکت می‌کنند که لازمه‌اش استحاله برخی از ارزش‌های سنتی و انتسابی است. از اینرو در عصر حاضر معیار ارزیابی افراد نه ویژگیهای انتسابی مثل جنسیت، بلکه خصیصه‌های اکتسابی آنها نظیر تحصیلات است. لذا بر اساس این رویکرد می‌توان اذعان کرد که فرض برابری فرصت‌ها در آموزش عالی برای زنان و مردان و افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی در واقع نوعی استحاله ارزشی در قضاوت‌های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی است و جامعه ایران نیز مستثنی از این استحاله ارزشی نبوده است (صالحی، ۱۳۸۰: ۴۵).

ج) افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی به عنوان امری صوری: در این رویکرد، افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی به مثابه نوعی صورت اجتماعی، تلقی می‌شود که متمایز از «محتوای اجتماعی و آموزشی» آن است. بدین معنی که بسیاری از افراد معتقدند که مشارکت زنان در آموزش عالی فقط از حیث صوری و کمی افزایش یافته و از لحاظ کیفی و محتوایی، رویداد خطیری صورت نگرفته است. همچنین در کلاسهای درس، پسران و مردان بیشتر از دختران و زنان مشارکت می‌کنند، پسران در مباحث کلاسی بیشتر از دختران صحبت و بحث می‌کنند و دختران و زنان دانشجوی در مقایسه با پسران و مردان کمتر از سوی اساتید و دانشگاه تشویق می‌شوند (لیونز، ۱۹۹۲: ۱۵۲۴). به همین دلیل، برخی از دختران و زنان دانشجوی، به دنبال نوع متفاوتی از «محیط‌های یادگیری» برای آموزش خودشان هستند.

د) افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی، نوعی جبر اجتماعی - هنجاری

«کالینز»، جامعه شناس معاصر آمریکایی، در سال ۱۹۷۹ از نوعی جامعه به نام «جامعه مدرک گرا» نام برد. وی شرایط حاکم بر چنین جامعه‌ای را «مدرک گرایی یا

مدرک مداری» برمی‌شمارد. «کالینز» مدرک گرایی را باوری می‌داند که در آن درجات و مدارک تحصیلی مقیاس و معیار ارزیابی افراد قرار می‌گیرد (سندستروم، ۱۹۹۹: ۵۱۷). مفهوم مدرک گرایی و جامعه مدرک‌گرا با مقوله افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی بی‌ارتباط نیست، بدین ترتیب که مشارکت زنان در آموزش عالی با توجه به مفهوم مدرک گرایی قابل بررسی است. امروزه عوامل و ویژگیهای اکتسابی از جمله تحصیلات، جایگاه ویژه‌ای در ارزیابی افراد و قشریندی اجتماعی پیدا کرده است. افراط در این موضوع منجر به پیدایش مدرک گرایی در جامعه می‌گردد. یعنی مدارک تحصیلی معیار ارزیابی شایستگی افراد می‌شود، به عبارت دیگر نوعی «مدرک‌سالاری». در یک چنین جامعه‌ای، افراد مجبورند برای قرار گرفتن در مراتب بالای قشریندی اجتماعی و کسب نمره بهینه از دست نامرئی جامعه مدرک‌سالار و به نوعی برای بقاء حیات و بهینه زیستن، به دنبال آموزش‌های عالی‌تر و بالاتر و نهایتاً مدارک بالاتر باشند. در واقع در یک چنین وضعیتی افراد دچار نوعی جبر اجتماعی و هنجاری برای ادامه تحصیل هستند (ودادهیر، ۱۳۸۰: ۱۸۳).

در سال ۱۹۹۴ یونسکو و دبیرخانه کشورهای مشترک المنافع مطالعه‌ای را با عنوان «زنان در مدیریت آموزش عالی» انجام دادند که در آن موانع اصلی مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری تعیین شده بود. این موانع عبارت‌اند از:

- دسترسی محدود به آموزش، به خصوص آموزش عالی
- وجود رویه‌های تبعیض‌آمیز در انتصاب و ارتقای زنان
- فشارهای ناشی از دوگانگی نقش‌های خانوادگی و شغلی
- گرایش‌های خانوادگی
- وقفه‌ها و انقطاع شغلی
- کلیشه‌سازی‌های فرهنگی
- بیگانگی با فرهنگ مردان و مقاومت مستمر در برابر انتصاب زنان به مشاغل

مدیریتی

- نبود سیاست‌ها و قوانین مناسب و کافی که مشارکت زنان را تضمین کند.

برطرف کردن این موانع مستلزم تغییر این پدیده‌ها با ایجاد امکانات بیشتر برای دسترسی زنان به آموزش، و به ویژه آموزش عالی، تجدید نظر در رویه‌های ارتقا و انتصاب، تدوین مقررات و ساختارهای حمایتی در کلیه مشاغل و برنامه‌های خاص زنان، اتخاذ اقدامات هنجاری در جهت مشارکت زنان، در حیات جامعه و دگرگونی واقعی گرایش‌های مربوط به برابری جنسی و حمایت قانونی و دولتی از طریق تصویب سیاست‌های کارا و صریح و اجرای واقعی آنهاست. (فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۸).

ب- پایین بودن ثبت نام زنان در آموزش عالی: ظرف سال‌های اخیر ما شاهد افزایش تعداد زنان در دوره‌های آموزش عالی بوده‌ایم. این پیشرفت قطعاً تا حدی ناشی از پذیرش راهبردهای خاص برای رفع نابرابری جنسی در آموزش است. اقدامات سازمان ملل متحد در این زمینه را نباید بی تأثیر دانست، زیرا سیاست گذاران را متوجه حقوق زنان کرد و نیاز آنان را به دسترسی به کلیه سطوح آموزش، مطرح ساخت. به طور کلی میزان ثبت نام زنان در دوره‌های آموزش عالی افزایش یافته است و برخی کشورها خود را متعهد می‌دانند که دسترسی زنان به آموزش عالی را تسهیل کنند.

ج- بعد جنسیت در برنامه‌ها و دروس دانشگاهی: شناخت و تقویت نقش دانشگاه‌ها در جامعه، تأثیر روند بین‌المللی شدن و جهان‌ی شدن، خلق دانش و مهارت‌ها و تبادل آن‌ها، ضرورت توجه به مسائل اجتماعی مردم عادی و توجه اصولی به مسائل جنسیتی، اهمیت لحاظ کردن ابعاد جنسیتی را در برنامه‌ها و دروس دانشگاهی تبیین می‌کند. در نظریه‌های توسعه، بعد جنسیت به عنوان یک عامل کلیدی در حل معضلات جهانی مطرح شده است و چون اکنون مؤسسات آموزش عالی بیشتری برای سازگاری با تغییرات اجتماعی به اصلاح برنامه‌های درسی خود روی آورده‌اند، بنابراین حذف بعد جنسیت قابل توجه نیست (فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۱).

۳-۳. یونسکو و آموزش عالی همگانی زنان در ایران

از جمله اهداف آموزشی که یونسکو در ایران در حوزه آموزشی در سایت خود قرار داده است بشرح ذیل می‌باشد: یونسکو از فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به چهارمین هدف از اهداف توسعه پایدار (اطمینان از آموزش باکیفیت و فراگیر و

ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه در حوزه‌های سیاست‌های آموزشی، برنامه‌ریزی و تعیین خط‌مشی، گردآوری داده‌های آموزشی، تحلیل و گزارش دهی، سوادآموزی و یادگیری مادام‌العمر، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش، حمایت می‌نماید. این سازمان از طریق تبادل دانش و اطلاعات، ارائه پیشنهادهای برای سیاستگذاری و ظرفیت‌سازی، تسهیل گفتگوها برای ایجاد خط‌مشی و گسترش مشارکت، در اجرای ملی چهارمین هدف از اهداف توسعه پایدار نقش دارد. یونسکو در اجرای برنامه‌های آموزشی خود با شرکای متعددی از جمله کمیسیون ملی یونسکو در جمهوری اسلامی ایران، وزارت آموزش و پرورش، سازمان نهضت سوادآموزی و سازمان فنی و حرفه‌ای همکاری نزدیکی دارد.^۱

بعد از انقلاب اسلامی به آموزش زنان خصوصاً آموزش عالی آن‌ها توجه بسیار شده است. آمار بدست آمده بیانگر این ادعا است که در سال تحصیلی ۱۳۸۰ پذیرفته شدگان زن با ۶۰ درصد قبولی از سهم بیشتری نسبت به مردان برخوردار بوده‌اند که این نشانه رشد فکری و اجتماعی و توان بالقوه زیاد این‌قشر از جامعه است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نیز موقعیت زنان را به‌طور محسوسی تغییر داد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به استثنای اصل ۱۱۵ که طبق آن زن نمی‌تواند رئیس‌جمهور شود، زن و مرد از نظر تحصیل علم و اشتغال به کار از حقوق یکسانی برخوردارند. در اصل بیستم آمده است: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». (ایروانی، ۱۳۸۴: ۵۱-۴۹).

سه جنبه خاص را می‌توان در مورد آموزش عالی و زنان مطرح ساخت:
۱. زنان تحصیل‌کرده بخشی از منابع و سرمایه‌های انسانی حیاتی برای هرکشور محسوب می‌شوند. بنابراین دسترسی برابر به فرصت‌های شغلی حق آنهاست. رویه‌های تبعیض آمیز، نه تنها ناعادلانه، بلکه ائتلاف اشکار تخصص‌ها و توانایی‌های با ارزشی است که بهره‌برداری از آن برای همه جوامع حیاتی است.

1. <http://www.unic-ir.org/factsheets/Factsheet-Fasi-UNESCO.pdf>

۲. در صورت اولویت داشتن اصلاح نظام آموزش عالی، لازم است زنان مهارت‌های مدیریتی را فرا گیرند تا بتوانند در بازسازی این نظام مشارکت مؤثر داشته باشند.

۳. به نظر می‌رسد ماهیت در مشاغل مدیریت باید به گونه ای متفاوت مد نظر قرار گیرد. مدیریت زنان نیازمند بررسی دقیق ترو تعریف مشخص تری است. حتی ممکن است برای برآوردن نیازهای توسعه اجتماعی، برخی حوزه‌ها از جمله آموزش عالی، مناسب تر تشخیص داده شوند (فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۷).

بخش عمده تعلیم و تربیت افراد جامعه وابسته به نگرش و توانمندی‌های علمی و تجربی مادران است. بنابراین، برنامه ریزی در مسیر توانمندسازی زنان در عرصه‌های علمی، آموزشی، پژوهشی و مدیریتی از عمده‌ترین برنامه‌های توسعه پایدار محسوب می‌شود.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در ایران سیاست‌های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی را در ۱۳۸۴ تصویب کرد.

جدول شماره ۱. سیاست‌های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی (احمدی نژاد، ۱۳۸۹)

سیاست‌های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی (فصول ۷ گانه)	
<p>ارتقاء سطح فرهنگی، تعمیق باورهای دینی و رشد فرهنگ عفاف و فضائل اخلاقی و حرفه‌ای</p> <p>ایجاد فرصت و امکانات عادلانه و رفع تبعیضات ناروا در تربیت نیروی متخصص زن به منظور بهره‌گیری از تخصص آنان در توسعه و تعالی کشور</p> <p>توسعه کمی و کیفی آموزش عالی زنان در کسب مدارج بالا</p> <p>توسعه مشارکت زنان متخصص در سطح مختلف مدیریت آموزش عالی کشور</p> <p>افزایش توانمندی و کسب مهارت‌های لازم برای زنان جهت ایفای مؤثرتر مسئولیت‌های فرهنگی، خانوادگی و اجتماعی زنان</p>	فصل اول: سیاست‌های کلان
<p>برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر لازم جهت توسعه آموزش عالی زنان در کلیه سطوح علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی</p> <p>افزایش کمی و کیفی سطح آموزش و مهارت‌های اختصاصی زنان، و تنوع بخشی به رشته‌های دانشگاهی متناسب با نقش آفرینی آنان در عرصه‌های مختلف زندگی</p> <p>اهتمام بر برنامه‌ریزی آموزشی و تدوین منابع درسی متناسب با نیازها و نقش آفرینی‌های زنان در خانواده و اجتماع</p> <p>اتخاذ تدابیر قانونی و آموزشی انعطاف پذیر و متناسب با مسئولیت‌های خانوادگی زنان (همسری و مادری).</p>	فصل دوم سیاست‌های مربوط به برنامه‌های آموزشی

<p>اتخاذ تدبیر مناسب جهت تحصیل دانشجویان دختر در دانشگاه‌های محل اقامت خود</p> <p>توسعه کمی و کیفی رشته‌های تحصیلی و منابع درسی مربوط به زنان و خانواده به منظور تبیین نظام مند مبانی اسلام در زمینه شخصیت، حقوق و مسئولیت‌های زنان و خانواده</p> <p>توسعه کمی و کیفی امکانات آموزش عالی برای دختران در نقاط محروم جهت رشد استعداد آن‌ها و دسترسی به سطوح بالای آموزشی</p>	
<p>اتخاذ تدابیر مناسب جهت توسعه مشارکت اعضای هیأت علمی و دانشجویان زن در برنامه‌های تحقیقاتی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی تخصصی بخشی از امکانات، اعتبارات پژوهشی، موضوعات و منابع تحقیقات به مسائل و موضوعات مورد نیاز زنان</p> <p>حمایت از محققین زن در بخش پژوهش و فن آوری و تلاش جهت رفع مشکلات آنان و بهبود زندگی مادی و معنوی آنان</p> <p>توسعه ارتباط علمی اعضای هیأت علمی و محققین و دانشجویان تحصیلات تکمیلی زن به دانشگاه‌ها و مجامع علمی خارج از کشور</p> <p>حمایت از تشکیل و توسعه انجمن‌های علمی زنان</p> <p>تخصیص امکانات علمی و پژوهشی مناسب جهت جذب نخبگان علمی زن</p> <p>توسعه و ساماندهی واحدهای پژوهشی زنان به منظور ارتقاء وضعیت پژوهش</p> <p>توسعه مشارکت اعضای هیأت علمی و پژوهشگر زن در فعالیت‌های مربوط به پارک‌های فن آوری و شهرک‌های تحقیقاتی</p>	<p>فصل سوم: سیاست‌های مربوط به پژوهش و فن آوری</p>
<p>برنامه‌ریزی جامع و راهبردی در خصوص تربیت زنان متخصص و مورد نیاز جامعه در راستای توسعه و تعالی کشور</p> <p>ایجاد فرصت عادلانه با تأکید بر اصل تعهد و تخصص و شایسته‌سالاری در جذب و بهره‌گیری از توانمندی‌های زنان متخصص در نظام مدیریتی به عنوان اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی</p> <p>افزایش مشارکت اعضای هیأت علمی زن در برنامه‌ریزی آموزشی و فرهنگی</p> <p>افزایش مشارکت اعضای هیأت علمی زن در برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه‌ها</p> <p>ارتقاء سطح علمی، آموزشی، پژوهشی و مدیریتی زنان در دانشگاه‌ها از طریق دوره‌های تخصصی، فرصت‌های مطالعاتی و ... در کوتاه مدت و درازمدت</p> <p>توسعه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی خاص زنان</p>	<p>فصل چهارم: سیاست‌های مربوط به منابع انسانی</p>
<p>توسعه آگاهی‌های دینی و فرهنگی دانشجویان دختر در عقیده‌مندی و پایبندی به ارزش‌ها و حدود الهی و ایجاد مصونیت در برابر القای شبهات دینی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی</p> <p>توسعه و تقویت فرهنگ عفاف و حجاب و رعایت اصول و موازین اسلامی از طریق برنامه‌های آموزشی و فرهنگی دانشگاه‌ها و ضرورت نظارت صحیح بر حاکمیت این موازین در فضای فرهنگی دانشگاهی</p> <p>اهتمام به معرفی اسوه‌ها و الگوهای مناسب از مفاخر زنان مسلمان در عرصه‌های گوناگون در برنامه‌های فرهنگی و متون آموزشی دانشگاه‌ها</p>	<p>فصل پنجم: سیاست‌های مربوط به امور فرهنگی - اجتماعی</p>

<p>تقویت هویت ملی و دینی و روحیه اعتماد به نفس و خودباوری در زنان و دختران دانشگاهی از طریق برنامه‌های فرهنگی توسعه و تعمیق بیش سیاسی دانشجویان بمنظور دفاع از نظام اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی حمایت و تقویت حضور و مشارکت دختران دانشجو در فعالیت‌های انجمن‌ها و تشکل‌های فرهنگی - اجتماعی دانشگاه‌ها ایجاد زمینه مناسب جهت پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی دختران دانشجو با تأکید بر وضعیت دانشجویان غیربومی و تفاوت‌های فرهنگی - اقتصادی و اجتماعی آنان با سایر دانشجویان</p>	
<p>توسعه خدمات مشاوره‌ای رایگان در زمینه‌های علمی، فرهنگی، ازدواج و مشکلات خانوادگی برای دانشجویان دختر (خصوصاً دانشجویان جدیدالورود به شهرهای بزرگ) توسعه کمی و کیفی خدمات مادی و معنوی به دانشجویان دختر نیازمند و بهبود وضعیت تحصیلی آنان توسعه کمی و بهبود وضعیت خوابگاه‌های دانشجویان دختر براساس میزان پذیرفته‌شده‌گان در دانشگاه‌ها و افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و اداره خوابگاه‌ها توجه به تأمین و غنی سازی اوقات فراغت دانشجویان دختر و توسعه امکانات ورزشی به عنوان عامل مهم در سلامت، افزایش بهداشت روانی و روحیه نشاط و مصونیت در برابر آسیب‌های اجتماعی ایجاد تسهیلات، امکانات و خدمات لازم و مناسب برای دانشجویان دختر بمنظور ایفای همزمان مسئولیت همسری و مادری و آموزشی آنان (انعطاف در ساعت کار، افزایش مدت مرخصی زایمان، ساعت شیردهی، امکانات نگهداری فرزند، خدمات بیمه‌ای و...) حمایت از تشکیل و توسعه تشکل‌های صنفی و رفاهی دانشجویان، مدیران و اساتید زن بمنظور بررسی مشکلات خود در امور اقتصادی و اجتماعی توسعه و تقویت منابع، تجهیزات و امکانات آموزشی و کمک آموزشی (بانک اطلاعات، کتابخانه و ...) مورد نیاز دانشجویان، اساتید و مدیران زن در دانشگاه‌ها</p>	<p>فصل هشتم: سیاست‌های مربوط به امور خدماتی و رفاهی</p>
<p>اتخاذ تدابیر لازم جهت هدایت تحصیلی دختران در انتخاب رشته‌های تحصیلی، متناسب با مسئولیت‌های خانوادگی و آینده شغلی آنان. بهره‌گیری مناسب و تخصصی از مشارکت کمی و کیفی زنان آموزش دیده و فارغ التحصیل به عنوان سرمایه‌های ملی در برنامه‌های توسعه در راستای بهره‌وری مناسب از نظام آموزشی کشور و ایجاد توسعه پایدار و متوازن. استفاده بهینه از تجارب علمی و فرهنگی زنان دانشگاهی و حوزوی در مجامع ملی و بین‌المللی. ایجاد هماهنگی جهت ایجاد فرصت‌های شغلی بمنظور بهره‌وری نظام مند و مناسب از نظام آموزش عالی دولتی زنان با توجه به صرف منابع و جلوگیری از اتلاف آن.</p>	<p>فصل هفتم: سیاست‌های مربوط به اشتغال زنان فارغ التحصیل</p>

در نگاه اجمالی به روند تحولات و آمارهای آموزش عالی زنان پس از انقلاب اسلامی باید گفت آموزش عالی ایران تحولات کمی و کیفی ژرفی پیدا کرده است. تعداد پذیرفته شدگان زن در مراکز آموزش عالی دولتی در سال ۸۸-۸۷، ۳۲۴ هزار و ۱۷۳ نفر بود که نسبت به قبل از انقلاب اسلامی بیش از ۱۱ برابر شده است. (مجتهدزاده، ۱۳۹۰).

جدول شماره ۲. میزان نرخ با سواد در جامعه زنان ایرانی

جدول (۳-۱): نسبت میزان سواد در زنان طی سالهای ۸۵-۱۳۵۵

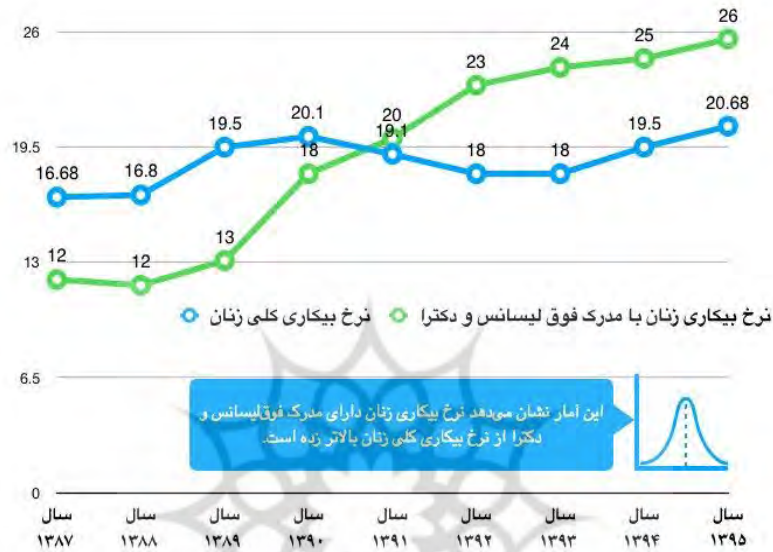
سال تحصیلی	تعداد زنان باسواد	تعداد مردان باسواد	تعداد کل	نسبت سواد در زنان
۱۳۵۵-۵۶	۴۶۷۹۰۸۸	۸۱۹۷۹۸۷	۱۲۸۸۷۰۷۵	۰.۳۶
۱۳۶۵-۶۶	۹۸۳۵۲۹۹	۱۴۷۷۸۷۹۶	۲۳۹۱۳۱۹۵	۰.۴۱
۱۳۷۵-۷۶	۱۹۱۱۷۵۵۹	۲۲۴۶۷۱۸	۴۱۵۸۲۲۷۷	۰.۴۵
۱۳۸۵-۸۶	۲۵۲۴۷۰۰۰	۲۸۸۳۵۰۰۰	۵۴۰۸۲۰۰۰	۰.۴۶

مأخذ - وزارت آموزش و پرورش. (ز.ب).

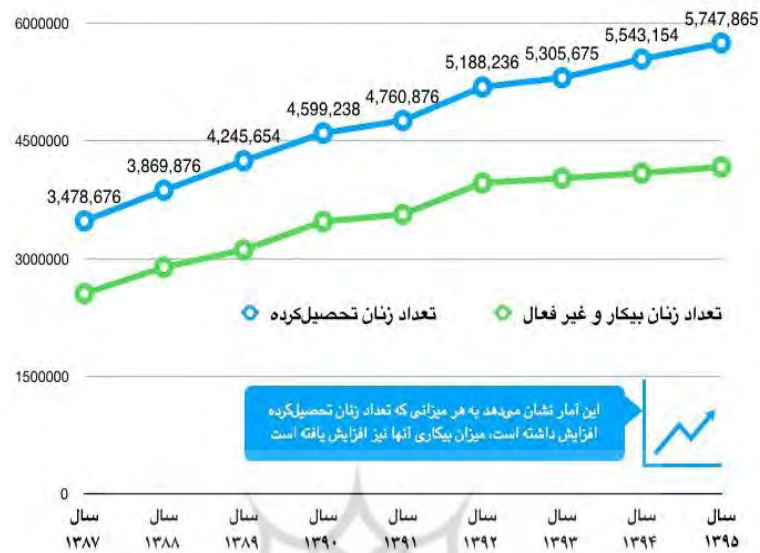
مرکز آمار ایران

اشتغال زنان موضوع چالش برانگیزی است و برخی آن را زمینه ساز رشد زنان در بسیاری مسائل می‌دانند؛ از جمله به لحاظ فردی، اجتماعی و خانوادگی با ایجاد روحیه اعتماد به نفس، رشد، استقلال فکری و روحی، ایجاد آگاهی و بینش اجتماعی، فهم و درک مسائل زنان و کمک به حل این مشکلات، استفاده بهینه آنان از اوقات فراغت و جلوگیری از بیهوده گذراندن وقت، جلوگیری از افسردگی ناشی از بیکاری و یک نواختی زندگی روزمره و احساس رضایت از مفید بودن، شادابی و سلامت روح، آشنایی با روش‌های افزایش بهره‌وری امکانات مادی و معنوی خانواده، کمک به رشد درآمد ملی و درآمد خانوار، جلوگیری از آسیب‌پذیری اجتماعی زنان بر اثر فقر و نیاز مالی، به ویژه در زنان مطلقه و بیوه. در حالی که برخی دیگر اشتغال زنان را مانعی در ایفای بهینه نقش‌های خانوادگی می‌دانند یا آن را سبب ایجاد مشکلاتی در اجتماع می‌پندارند. در هر حال، نرخ مشارکت نیروی کار به منزله یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی زنان در ادبیات بین‌المللی مطرح است. (نصیری و خیری دوست، ۱۳۹۴: ۶۲).

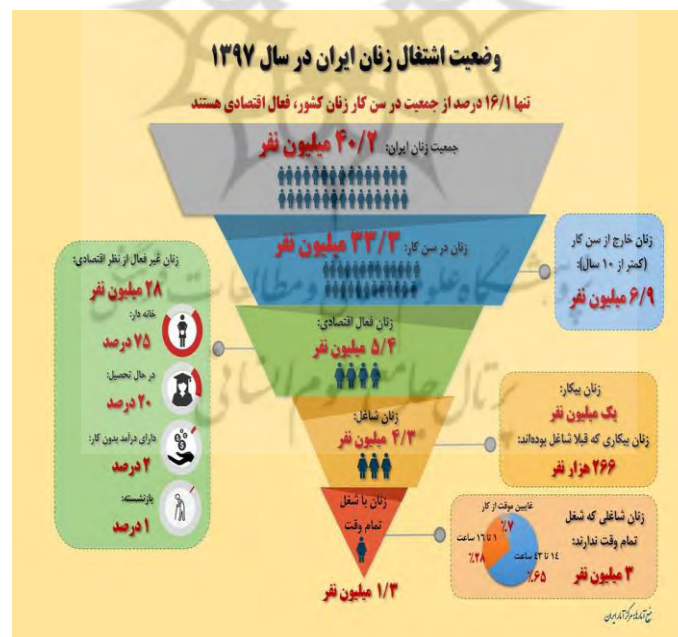
اما پدیده تحصیل بانوان در ایران با چالش‌های و مشکلاتی نیز روبرو بوده است. مشکل اشتغال مهم‌ترین معضل جامعه بانوان تحصیل کرده است. در نمودار ذیل این مشکل به خوبی نمایش داده شده است:



نمودار شماره ۱. میزان تحصیلات و بیکاری زنان بین سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۵ (تابناک، ۱۳۹۷)



نمودار شماره ۲. میزان تحصیلات و بیکاری زنان بین سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۵ (تابناک، ۱۳۹۷)



نمودار شماره ۳. وضعیت اشتغال زنان در ۱۳۹۷ (پایگاه خبری تحلیلی اقتصاد بازرگانی، ۱۳۹۷)

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

سوم، شماره پیاپی

سی و سوم

پاییز ۱۳۹۸

نتایج طرح آمارگیری مرکز آمار ایران در بهار سال ۱۳۹۸ حاکی از آن است که از مجموع ۲۷ میلیون و ۳۳۹ هزار و ۴۳۱ نفر جمعیت فعال کشور، ۲۴ میلیون و ۳۸۲ هزار و ۷۴۴ نفر شاغل و ۲ میلیون و ۹۵۶ هزار و ۶۸۷ نفر بیکار بوده‌اند. بر اساس این گزارش، ۹۳۲ هزار و ۸۸۱ نفر از جمعیت بیکار کشور در بهار ۱۳۹۸ را زنان و دو میلیون و ۲۳ هزار و ۸۰۶ نفر را مردان تشکیل داده‌اند.

سه جنبه یا مسأله کلیدی وجود دارد که اگر مد نظر قرار نگرفته و مشکلات مربوط به آن حل نشود، تصدی زنان در مشاغل مدیریتی و رهبری در آموزش عالی و در جامعه تحقق نخواهد یافت.

نخست وجود گرایش‌های اجتماعی که مانع مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری می‌شود. دوم، پایین بودن میزان ثبت نام زنان در سطوح آموزشی عالی. هر چند این امر در کلیه مناطق جهان در حال تغییر است. و بالاخره، لحاظ نکردن بعد جنسیتی در برنامه‌های درسی نظام آموزش عالی.

نتیجه‌گیری

جهان به سوی دموکراسی بیشتر و سیاست‌های بازار گام برمی‌دارد تا توسعه انسان‌ها را تحقق بخشد. در این شرایط باید فرصت‌های بیشتری از نظر مشاغل اجرایی در اختیار زنان قرار گیرد. تلاش نهادهای بین‌المللی، تشکل‌های زنان، قطعنامه‌ها و توصیه‌های کنفرانس‌های جهانی همه در این جهت است. حرکت‌هایی در جهت توانمندی زنان تحصیل‌کرده در عرصه‌های آموزش، پژوهش و ایجاد شبکه‌های مبادلاتی در جریان است که تقویت آن‌ها ضروری است. اثرات سودمند دسترسی و مشارکت فزاینده، پایدار و دائمی است و برای همه زنان منافع خاصی دارد. این خود شالوده راهبرد جامع زنان، آموزش عالی و توسعه یونسکو را تشکیل می‌دهد که با هدف تقویت مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری در جامعه تدوین شده است.

همانطور که ملاحظه شد سیاست‌های و برنامه‌های یونسکو به عنوان یک سازمان بین‌المللی فرهنگی اجتماعی تأثیر زیادی بر نظام سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در مقوله آموزش زنان داشته است ولی مطابق بحث نظری، جامعه زنان ایرانی در قالب

نهادی‌های دولتی و غیر دولتی بر اساس ارزش‌ها و مفاهیم اجتماعی خود در تعامل با یونسکو و برنامه‌های آن قرار گرفته است. مصوبات شورای انقلاب فرهنگی کاملاً گویای این نوع تعامل دو سویه است.

در پایان راهبرهای زیر برای بهبود وضعیت آموزش برای زنان جامعه ایرانی پیشنهاد می‌شود:

الف-حمایت از دسترسی زنان به آموزش عالی و مشارکت در این بخش

۱. تأسیس یک مرکز بین‌المللی در زمینه زنان و آموزش عالی برای نظارت بر دسترسی، مشارکت و حضور در فرایند تصمیم‌گیری در امر آموزش عالی توسط یونسکو

۲. بررسی نقادانه هنجارهای حقوقی برای ارزیابی کارایی آن‌ها در ارتباط با آموزش عالی توسط نهادهای بین‌المللی غیر دولتی

۳. استمرار فعالیت‌های آموزشی سازمان‌های غیر دولتی برای افزایش مهارت‌ها و توانایی‌های زنان

۴. تدوین منشور التزام و تعهد به تساوی زنان و مردان با همکاری سازمان‌های غیر دولتی و دولتی برای تأیید رؤسا و مدیران نهادهای آموزش عالی

۵. حمایت از اقدامات مربوط به پیگیری و ارزیابی مصوبات کنفرانس پکن {۱۹۳۵} توسط یونسکو با تشکیل گردهمایی و انجام فعالیت‌های منطقه‌ای

ب-ترویج حضور زنان در فرایند تصمیم‌گیری در بخش آموزش عالی و اشتغال فارغ التحصیلان

۱. تشکیل کمیته‌های عالی در نهادهای آموزش عالی برای نظارت بر تحقق هدف‌های مربوط به تساوی زنان و مردان

۲. تأسیس مراکز فرصت‌های شغلی برابر در دانشگاه‌ها و نهادهای آموزش عالی برای نظارت بر بهبود وضع زنان از نظر تصدی به مشاغل اجرایی و مدیریتی

۳. اتخاذ اقدامات ویژه از سوی مراکز کاریابی و بخش خدمات فارغ التحصیلان، برای آنکه دختران و زنان دانشجو از فرصت‌های شغلی و موانع موجود در مشاغل گوناگون آگاه شوند.

۴. استفاده از الگوهای نمونه و پیشرو به عنوان وسیله ای برای آگاه سازی دانشجویان [زن] در زمینه گزینش‌های شغلی از سوی نهادهای آموزش عالی و سازمان‌های غیر دولتی ذی ربط.

ج- ترویج پژوهش و آموزش

۱. افزایش تعداد کرسی‌های یونسکو و شبکه‌های دانشگاه‌های وابسته که توجه به بعد جنسیت در حوزه آموزش عالی را ترویج می‌کنند

۲. تشکیل گروه‌های کارشناسی سیار برای تشویق ظرفیت سازی درون‌زا در سطح ملی و نهادی

۳. ایجاد نظام سهمیه بندی در برخی شرایط و مواقع به منظور نیل به برابری و تساوی کامل دانشجویان و فارغ التحصیلان زن و مرد

۴. تدوین یک «هنجار رویه مثبت» در هر منطقه برای ترویج برابری جنسی در حوزه‌های فرهنگی متفاوت

۵. برگزاری دوره‌های آموزشی برای دانشجویان و فارغ التحصیلان زن و مرد - به منظور طرح موضوع مدیریت زنان در نهادهای آموزش عالی و ایجاد یک جامعه انسانی تر توسط نهادهای غیر دولتی آموزش عالی و زنان

۶. حمایت از اصل آموزش مداوم برای زنان و اتخاذ اقدامات ضروری برای ادامه تحصیل و ورود به بازار کار و هماهنگی و توازن میان مسؤولیت‌های خانوادگی و شغلی.

نهایتاً باید اقرار کرد که افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی ایران در سالهای اخیر، با تمام ابعاد پیامدهای گوناگون آن، واقعه میمونی است که رشد مردم سالاری و توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران را نشان می‌دهد. بنابراین بنظر می‌رسد که زنان ایرانی، با مشارکت بیشتر در آموزش عالی، به شکل جدی و قوی، عزم جزم خویش را برای تکوین هویتی نوین و ساختن آینده تحصیلی، شغلی و اجتماعی بهتر آغاز کرده‌اند.

منابع

- احمدی‌نژاد، محمود. (۱۳۸۴). سیاست‌های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی، مصوب جلسه ۵۷۰ مورخ ۲۶/۷/۱۳۸۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۷۹). «موانع ساختاری اجرای برنامه‌های توسعه در ایران»، *فصلنامه مدیریت و توسعه*، شماره ۶.
- ایروانی، محمدرضا. (۱۳۸۴). «زنان، نظام آموزش عالی کشور و اشتغال»، *مجله پژوهشگر*، شماره ۳، تابستان.
- تابناک. کد خبر: ۸۶۰۱۷۲. ۲۲ آذر ۱۳۹۷.
- پایگاه خبری تحلیلی اقتصاد بازرگانی. (۱۳۹۷). آمار اشتغال زنان. وضعیت اشتغال زنان تحصیل کرده. ۷ آذر ۱۳۹۷.
- حیدری عبدی، احمد. (۲۸۳۱). *بررسی اهداف و عملکرد برنامه سوم توسعه/آموزش عالی در ایران*، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- دهقانی فیروز آبادی. سید جلال و علی جدیدی. (۱۳۸۹). «نظریه سازه‌انگاری و سازمان‌های بین‌المللی». *دو فصلنامه پژوهش سیاست*. سال ۱۲. شماره ۲۸. بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- دولیتل، ریچارد. (۱۳۸۲). «سازه‌انگاری و آموزش، ترجمه محمد حسن شیخ‌الاسلامی»، *مجله پژوهش‌های ارتباطی*، شماره ۳۳، بهار.
- روزنامه کیهان. (۱۳۹۵). اجرای سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو در سایه غفلت از اسناد بالادستی، شماره ۲۱۵۵۱.
- صالحی، ابراهیم. (۱۳۸۰). *بررسی گسترش آموزش عالی در ایران با رجوع خاص به مشارکت زنان*، ترجمه اسماعیل یزدان‌پور و صدیقه شکوری‌راد، توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

فرهانی، فاطمه. (۱۳۸۰). *نقش زنان در آموزش عالی از دیدگاه یونسکو*، از کتاب توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی، تهران: وزارت علوم.

گزارش پژوهشکده راهبردی سازمان بسیج حقوق‌دانان. (۱۳۹۵). بررسی حقوقی و قانونی سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو.

مجتهدزاده، زهرا. (۱۳۹۰). پیشرفت زنان در حوزه آموزش عالی و اشتغال پس از پیروزی انقلاب اسلامی. خبرگزاری فارس. گروه اجتماعی زنان و جوانان.

مشیرزاده. حمیرا. (۱۳۹۵). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.

نادران، الیاس و علی نصیری اقدم. (۱۳۷۹). «دولت در چشم‌انداز برنامه سوم توسعه»، *مجله مدیریت و توسعه*، شماره ۶.

نصیری، بهاره؛ خیری دوست، زهرا. (۱۳۹۴). «مقایسه تطبیقی شاخص‌های توسعه زنان در ایران و کشورهای همسایه آن»، *پژوهش نامه زنان*، ویژه نامه، بهار و تابستان.

ودادهیر، ابوعلی. (۱۳۸۰). «تأملی بر پدیده مدرک‌گرایی در جامعه»، *نامه انجمن جامعه شناسی ایران*، ش ۳.

یونسکو (بخش آموزش و پرورش). (۱۳۸۳). *پرونده‌ای باز در مورد آموزش و پرورش فراگیر*، مطالبی برای پشتیبانی از مدیران و کارکنان اجرایی. (ترجمه ابوالفضل سعیدی، پژوهشکده کودکان استثنایی).

Lyons, N.P. (1992). Women's Education, In: M.C.Alkin (ed.) Encyclopedia of Educational Research, New York, Macmillan Publishing, pp: 1520-1524

Myers, D. J. (1999). Social Psychology, Boston, Mc Graw – Hill College.

Sandstrom, K.L. (1999) Embracing Modest Hopes: Lesson From the Beginning of the Teaching Journey, In: B.A., Pescosolido & R. Aminzade (eds.) The Social Worlds of Higher Education: Hand Book for Teaching in a New Century, Thousand Oaks, Pine. Forge Press, pp. 517-529.

Unesco. (1994). The salamanca statement and framework for action on special needs education. [online]. Available: [http://www. Unesco.org / education. html](http://www.Unesco.org/education.html).

- Van Valey, T.L. (2001). Recent Changes in Higher Education and Their Ethical Implications, Teaching Sociology, Vol. 21, 1-8.
- Wendt. Alexander. (1992). "Anarchy is what States Make of it: The Social Construction of Power Politics" International Organization. Vol. 46, No. 2 (Spring, 1992), pp. 391-425

